

فرهنگ

ادامه از صفحه ۱۲

سینمای آمریکا بزرگ‌ترین دستگاه تبلیغاتی عادی‌سازی ماشین نظامی غرب است

سازمان تبلیغات ترور



میلاد جلیل‌زاده روزنامه‌نگار

اگر نگاهی به فهرست مشهورترین نویسندگان زائر جاسوسی جهان که اکثرشان انگلیسی‌زبان هستند ببیندزایم، خواهیم دید که بخش قابل توجهی از آنها نیروی رسمی سازمان جاسوسی سیا و به‌خصوص سازمان جاسوسی MI۶ بوده‌اند. تاوجه به این گزارش، احتمالاً چنین عمومی ساخته خواهد آمد که چرا سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی پایه چنین سرمایه‌گذاری بزرگ و پرهزینه‌ای روی پرورش ادعا می‌کنند تا کارهای جدی که رُست انتقادی دارند و نمونه‌های خیرش فیلم وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مرتبط با فرهنگ در این کشورها بر و بی‌مانند باشد؟ آیا اخیر از این است که کار اطلاعاتی و امنیتی، معمولاً باید در خفا انجام شود و این جنبه‌های تبلیغاتی پرطنین، در تناقض با ماهیت چنین حرفه‌ای به نظر می‌رسند؟ این محضی است‌که این بحث را به سینما مرتبط کنیم، فهرستی از انواع فیلم‌های سینمایی

سایه سیا بر پایتخت سرگرمی آمریکا

سازمان سیا در ۱۸ سپتامبر ۱۹۴۷ بنیانگذاری شد تا مدت‌ها تنها تکلیفی که برعهده فیلمسازان آمریکایی می‌گذاشت، عدم نمایش چهره آنها در سینما بود. ژانسن اطلاعات مرکزی آمریکا CIA) در دوره‌های بین سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۹ ، تقریباً در اکران سینمای آمریکا غایب بود و مشخصات عمومی آنها در سایر رسانه‌های معروف، ازجمله تلویزیون و مطبوعات عملاً وجود نداشت. این عملیات آشکار تبلیغاتی همزمان بود با آنچه برخی محققان آمریکایی آن را عصر طلایی اقدامات پنهانی ایالات‌متحده نامیده‌اند، دوره افزایش مداخلات سیا در ایتالیا، ایران و گواتمالا. البته در کنار سایه‌نشینی و دوری گزیدن مأموران CIA از چشم‌اندازهای عمومی، این سازمان در امر ارتباط با اهالی رسانه و چنددهی‌های دستوری به فعالیت‌هایش سابقه‌ای طولانی داشت و این سابقه هم به اولین روزهای کاری آنها می‌رسد یعنی زمانی که آلان دالس، افسر تبلیغاتی اس‌ان‌اے و کارکن عالی او، به‌طور منظم با خبرنگار مجزه بر یک نوع دروغ‌سنج واشنگتن می‌نوشیدند و شام می‌خوردند و ژانسن به مدعا روزنامه‌نگار خارجی داخلی و معتمدان درالی این اخبار می‌کرد.

در سال ۱۹۷۷، پس از آشکار شدن این دستکاری سیستماتیک رسانه‌ای توسط تحقیقات کنگره، CIA یک دفتر امور عمومی ایجاد کرد که وظیفه آن در شیوه‌ای رسمی و علنی تر (و از آن به‌دفع قانونی)، هدایت پوشش مطبوعاتی آن دسته از اطلاعاتی بود که به مسائل امنیتی مربوط می‌شدند. این حال ژانسن اصرار دارد به اثبات برساند که دیگر با این وضعیت جدید، روزنامه‌نگاران آمریکادوستی (و منافع ملی) را حفظ نمی‌کنند و تلاش‌هایش برای تأثیرگذاری بر مطبوعات بیش از سردرپازان آنها و بااین حال بی‌فایده است. اما درحقیقت، تلاش‌های امپراتوری اطلاعات برای تولید حقیقت و خورشید ژانسن به مدعا افکار عمومی، گسترده‌تر و متنوع‌تر از گذشته است. یکی از داری‌های برجسته این سازمان چیست؟ هالیوود.

ژانسن یک ماشین بسیار فعال در قلم پایتخت سرگرمی تأسیس کرده است که برای اطمینان از اینکه حتی جهان خرقه و خنجر، یعنی فیلم‌های ابرقهرمانی و جهان سینمایی مارول هم با اصطلاحات قهرمانانه ارانه می‌شوند، سخت کار می‌کند. از اواسط دهه ۹۰ میلادی و به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان آمریکایی، دستیارانی به‌الطاف سینما و در مقرهای CIA را با ارائه تصویری مثبت از حرفه جاسوسی در پروژه‌های سینمایی یا تلویزیونی معامله کرده‌اند.

CIA از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۴۷، مخفیانه با هالیوود همکاری می‌کرده هرچند در ابتدا اجازه نمی‌داد اشاره مستقیمی به خودش بشود. اما در اواسط دهه ۱۹۹۰ بود که به‌طور رسمی یک رابط صنعت سرگرمی را استخدام کرد و درخواست آشکار برای برخورد مطلوب در فیلم‌ها و سریال‌ها یا شخصیت‌های CIA را شروع کرد. در دوره ریاست جمهوری کلینتون، CIA استراتژی هالیوود خود را به سطح جدیدی رساند و سعی کرد اف‌سانه‌سازی از خود را بیشتر کنترل کند، چون کسی می‌شد که این رویه نتیجه عکس می‌دهد. در سال ۱۹۹۶، CIA یکی از افسران مخفی خود را به نام نایز براندن در استخدام کرد تا مستقیماً با استودیوها و شرک‌های تولیدکننده هالیوود همکاری کند. ماموریت براندن این بود که چهره ژانسن امنیت ملی آمریکا را ارتقا دهد. بعدها براندن به گاردین

تام کلنسی

اصطلاحی بین آمریکایی‌ها وجود دارد به‌عنوان اهتزاز پرچم. اهتزاز پرچم Flag-waving یک استدلال مغالطه‌آمیز یا تکنیک تبلیغاتی است که برای توجیه عملی نادرست، به‌جای منطوق، به احساسات ملی‌گرایانه یا مینن پرستیانه متوسل می‌شود. نام کتاب کلنسی، نویسنده مشهور داستان‌های جاسوسی و طراح بازی‌های کامپیوتری با پس‌زمینه اهداف امنیتی، در دهه ۹۰ میلادی با پشت

بن افلک و جینفر گارنر

اما به قرن جدید که نزدیک‌تر می‌شویم، رابطه طولانی‌مدت بن افلک، لیبرال برجسته هالیوود و لانگلی به‌طور ویژه گنج‌کننده به‌نظر می‌رسد. به‌رحال ظاهر آن‌تخسین متقابل بین اهالی دوچه لانگلی و هالیوود، برای همه افرادی نفع بسیار مفید بود است. به‌گفته گارنر، در جریان تولید فیلم مهمج مهمج هم‌عصرش‌ها به‌تپه‌کنندگی کلنسی و بازاری افلک در سال ۲۰۰۲ ژانسن خوشحال بود که نام کلنسی عوامل فیلم‌برابری

آرگو؛ اوج همکاری‌های سیا و سینما تا روزگار خود

همان‌طور که پس از ۱۱ سپتامبر هالیوود به‌طور فزاینده‌ای با لانگلی در ارتباط گرفت، کارنمنان CIA اغلب همکاران عادی خود را می‌دیدند که همراه با افراد مشهور مختلفی به دفتر مرکزی سیا، به‌طور شخصی سفر کرده‌اند. جان کریه‌اکو، افسر سابق CIA یادآوری می‌کند: «من نمی‌توانم به شما بگویم که چندبار این اتفاق افتاده است.» او می‌رساند به‌انواع هالیوود، اما از جمله هرسون فورد وین افلک در منطقه لانگلی به‌وجود می‌آید. کریه‌اکو می‌گوید: «غالباً تعجب می‌کرد که چرا به این بازیگران اجازه داده شده است در یک مرکز فوق سری قدم بگذارند.» چون او قرار است در یک فیلم نقش یک پسر سرورسازاری کند این میزبانی جدیدی است؟ شما فقط باید دوستدار ژانسن باشید و می‌توانید وارد شوید و گشت‌زنیید؟ در

سریال هوملند

اگرچه کری متسون (کارگردان) شخصیت اصلی درام تلویزیونی (Homeland) که در سال ۲۰۱۱ به نمایش درآمد، یک مفهر دو قلبی است که برای تلویزیون از نظر خندهش باید دارو مصرف کند و مرتباً همه پرورکنی‌ها را نفس می‌کند. حتی در خارج با این حال این مجموعه در رسانه CIA به یکی از آثار مورد علاقه تبدیل شده است. وظیفه اصلی خود و اهدافی که ماقول‌هایش برای او تعیین می‌کند، گانگسا خلق میهن تاپدید می‌کند. «از این نمایش [در بخش امنیت ملی] قدرتمندی می‌شود. مسابقه واقعی انتقادی راجع به کلیت سریال با نوع نمایش شخصیت [عصو CIA] به‌طور رسمی یا به‌صورت غیرمستقیم نه‌شده است.» ایده اصلی این سریال از یک مجموعه تلویزیونی تولیدریم چه‌پهنیستی به نام «سازمان امن» آمده است که البته آرک کلنل، بازیگر و نماینده ارائه‌دهنده این مجموعه استرالیا می‌گوید که بخشی می‌رسد ساکنان خود ریزم‌صهیونستی داستان‌های مخفی تر و کمتر سیاسی را به‌ویژه در سیستمات درآمد. فیشتال تأثیر درخشش از فعالیت‌های که به مناسبت سریال با نام‌های در سال ۲۰۲۰ منتشر کرده، راجع به سریال‌های این رژیم با موضوع جاسوسی که بسیار پرچند هستند، می‌نویسد: «درست همان‌طور که هند متبورک تا‌باز می‌شود تا زمان روز و به هالیوود مجزه بر یک نوع دروغ‌سنج از اکثر فیلمسازان بود. او می‌گوید: «من چندین بار با CIA معامله داشته‌ام، هم به‌عنوان روزنامه‌نگار و هم به‌عنوان فیلمنامه‌نویس. من سرعت فزاینده، چهره شاخصی را می‌توان به‌عنوان نمونه این‌برد که نمادی از ارتباط بین این دو نهاد، در دوره ارتباطات علنی آنها هستند.

وقتی فیلم «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» در سال ۲۰۱۲ اکران شد، هالیوود در بحث رو به رشد شکنجه، هدیه تبلیغاتی دیگری به لانگلی داد. این فیلم به کارگردانی کاترین بیکلو و فیلمنامه مارک بولگ، درباره ترور بن لادن توسط نیروهای آمریکایی ساخته شد. بیکلو و بولگ تلاش کردند تا یک روایت مرجع درباره چگونگی ترور بن‌سلمان در پاکستان ایجاد کنند. روایتی که طبق آن ادعا می‌شود این فیلم، داستان بزرگ‌ترین دقیقه‌ساز تاریخ است، نیمه‌شب؛ همان اتفاق عمداً در دنیای امنیتی ایالات متحده جاسازی شده‌بودند. طبق گزارش بارنس کورت وارنت دفاع آمریکا، به‌نظر می‌رسد که لئون پانه‌انا، رئیس وقت ایالات متحده به‌تازگی بن لادن را در حومه یکی از شهرهای پاکستان به قتل رسانده‌اند، اما CIA مدت‌ها قبل از شیخون

به‌مخفیه‌گاه بن لادن، به‌یوال کمک می‌کرد تا سناریوی مربوط به فرار بن لادن را بنویسد اما حالا که او‌پایان عینی داستان بن لادن را داشت، شروع به بازیبوسی فیلمنامه کرد و قصد به‌جای روایت چگونگی فرار بن لادن، تبدیل شد به روایت پانان و به‌یوال و بیکلو همچنین شروع به چانه‌زنی با مقامات سیا و پنتاگون برای دسترسی هرچه بیشتر به افراد نزدیک و شکار و کشتن بن لادن کردند. به عیادت دیگر، سازندگان یک دقیقه‌ساز تاریخ است، نیمه‌شب؛ همان اتفاق عمداً در دنیای امنیتی ایالات متحده جاسازی شده‌بودند. طبق گزارش بارنس کورت وارنت دفاع آمریکا، به‌نظر می‌رسد که لئون پانه‌انا، رئیس وقت ایالات متحده به‌تازگی بن لادن را در حومه یکی از شهرهای پاکستان به قتل رسانده‌اند، اما CIA مدت‌ها قبل از شیخون

چشم‌انداز آینده هالیوود، وقتی حتی نقدهای غیر بنیادین و جناحی به سازمان سیا، کمرنگ‌تر از آثار ستایشگرانه هستند

همان‌طور که مساله کلیه عبق تروریسم در آمریکا به‌طور بی‌وقفه بزرگ می‌شود و دولت نظارت خود را در همه جنبه‌های زندگی آمریکایی‌ها ادامه می‌دهد، جالب است که ببینیم آیا سازمان‌ها لیوود نگاه انتقادی‌تری به مجموعه امنیت ملی می‌کند یا خیر. سوارده معدودی تلاش‌اتفاق افتاده که بیشتر جنبه‌های جناحی دارند و نه بنیادین و اساسی. مثلاً فیلمسازان دوکورات، عملکرد جمهوری خواهان را در سازمان سیا به چالش می‌کشند و معمولاً در روایت چنین مسیری یک مأمور امنیتی خوب»

عابربانک‌های سیاد ر هالیوود

سر گذاشتن بازیگرانی مثل الک بالدوین، هرسون فورد و سرانجام بین افلک، به یکی از محورهای تبلیغات سیا تبدیل شد. او مصداق بارز اصطلاح اهتزاز پرچم بود. در گذشته به تاریخ اول اکتبر ۲۰۱۳، یک نویسنده آمریکایی است که بیشتر به‌خاطر نگارش جزئیات تکنیکی طرح‌های داستانی جاسوسی و فنون نظامی مربوط به دوران جنگ سرد و پیام‌هایش پس از آن شناخته‌شده است. مشهور داستان‌های جاسوسی و طراح بازی‌های کامپیوتری با پس‌زمینه اهداف امنیتی، در دهه ۹۰ میلادی با پشت

گشت و گذار به دفتر مرکزی لانگلی آورده و مجوز دسترسی آنها به ژانسن ارائه داده است و نهایتاً وقتی فیلمبرابری آغاز شد، براندن به‌عنوان رابط سیا برای مشاوره آمده بود. از آن سو ففاد و فیلم جنگ ستارگان، ایجاد شد، گارنر در نقش سیندی برین‌سرد، مگر سر صحنه فیلمبرابری برنامه تلویزیونی Al۸۵۰۰ به‌همان نام مستعار داشت. این یک سریال جاسوسی با‌بازی جینفر گارنر، همسر وقت افلک بود. این سریال که بخشی از آن سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، نمایانگر بازی‌های فراگیر دورپس از ۱۱ سپتامبر بوده‌ان فضای اضطراب دائمی که وجودش در

گشت و گذار به دفتر مرکزی لانگلی آورده و مجوز دسترسی آنها به ژانسن ارائه داده است و نهایتاً وقتی فیلمبرابری آغاز شد، براندن به‌عنوان رابط سیا برای مشاوره آمده بود. از آن سو ففاد و فیلم جنگ ستارگان، ایجاد شد، گارنر در نقش سیندی برین‌سرد، مگر سر صحنه فیلمبرابری برنامه تلویزیونی Al۸۵۰۰ به‌همان نام مستعار داشت. این یک سریال جاسوسی با‌بازی جینفر گارنر، همسر وقت افلک بود. این سریال که بخشی از آن سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، نمایانگر بازی‌های فراگیر دورپس از ۱۱ سپتامبر بوده‌ان فضای اضطراب دائمی که وجودش در

این بین افرادی که مخفی هستند، مجبورند با دست به‌صورت خود از ابله‌ای سال‌ها عبور کنند. این دیوانه‌کننده است.»

سرمایه‌گذاری لانگلی روی بن افلک و برعکس سرمایه‌گذاری روی بن افلک روی کار با سازمان سیا، سود بسیار خوبی برای فیلم آرگو به‌کارگردانی افلک در پی داشت؛ یک فیلم علمی-تخیلی فانتزی در ایران، به‌گفته ریچارد کالین، مشاوری که به اتصال استودیوهای هالیوود با سیا و سایر سازمان‌های دولتی کمک می‌کند. آرگو اولین فیلمی بود که پس از ۱۵ سال اجازه فیلمبرداری در داخل مقر لانگلی گرفت. آرگو آزادی‌های زیادی را در جل حقیقت به‌مدت سه روز همه آنها، عوامل سیا و عوامل فیلم، نشان نمود. کلنسی و هالیوود قهرمانانه تر ظاهر شوند. به‌عنوان مثال، شمشیر آزادی کند این میزبانی جدیدی است؟ شما فقط باید دوستدار ژانسن باشید و می‌توانید وارد شوید و گشت‌زنیید؟ در

همسایگانش، جاسوسی را به‌عنوان علامت فرهنگی این رژیم در آورده است. «به‌رحال اقیانوس شیکه آمریکایی‌ها در سریال

«سپران جنگ» برای سازگانش بسیار منعقد داشت. «این فیلم چندین فصل، میهن به‌سکوی زنبلی برای گانگسا تبدیل شد تا طی جلد دوم، فیلمساز مورد اطمینان طرفدار سیا، تمام تلاش‌هایش را برای جذب و پیش‌رانیگنر جنگ علیه ترور را بررسی کند. گانگسا و گف‌وگوهایش روی اثبات این نکته اصرار داشته که: «ما نسبت به‌خشیت اصلی خود و اهدافی که ماقول‌هایش برای او تعیین می‌کند، انقادتداریم. ما می‌باشی چندی‌جعی می‌کنیم هر دو طرف را نشان می‌دهیم.» گسوزگی نداشت‌باشیم، به‌مبارت‌ساده، سریالی که ان‌از یک دید‌ساده‌انگاره‌ای ممکن است منتقد سیستم CIA به‌نظر برسد. اتفاقاً از محبوب عوامل آن سازمان است. گانگسا گفت که این سریال در داخل مقر لانگلی، صحنه فیلمبرداری نداشته است.

اما از او چند بازیگر کار دعوت شده است و تا یک روز در آنجا بمانند. گانگسا می‌گوید هنگام بازدیدشان از فعالیت‌های یک نااهل‌جان با نام‌های در سال ۲۰۲۰ منتشر کرده، راجع به سریال‌های این رژیم با موضوع جاسوسی که بسیار پرچند هستند، می‌نویسد: «درست همان‌طور که هند متبورک تا‌باز می‌شود تا زمان روز و به هالیوود مجزه بر یک نوع دروغ‌سنج از اکثر فیلمسازان بود. او می‌گوید: «من چندین بار با CIA معامله داشته‌ام، هم به‌عنوان روزنامه‌نگار و هم به‌عنوان فیلمنامه‌نویس. من سرعت فزاینده، چهره شاخصی را می‌توان به‌عنوان نمونه این‌برد که نمادی از ارتباط بین این دو نهاد، در دوره ارتباطات علنی آنها هستند.

وقتی فیلم «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» در سال ۲۰۱۲ اکران شد، هالیوود در بحث رو به رشد شکنجه، هدیه تبلیغاتی دیگری به لانگلی داد. این فیلم به کارگردانی کاترین بیکلو و فیلمنامه مارک بولگ، درباره ترور بن لادن توسط نیروهای آمریکایی ساخته شد. بیکلو و بولگ تلاش کردند تا یک روایت مرجع درباره چگونگی ترور بن‌سلمان در پاکستان ایجاد کنند. روایتی که طبق آن ادعا می‌شود این فیلم، داستان بزرگ‌ترین دقیقه‌ساز تاریخ است، نیمه‌شب؛ همان اتفاق عمداً در دنیای امنیتی ایالات متحده جاسازی شده‌بودند. طبق گزارش بارنس کورت وارنت دفاع آمریکا، به‌نظر می‌رسد که لئون پانه‌انا، رئیس وقت ایالات متحده به‌تازگی بن لادن را در حومه یکی از شهرهای پاکستان به قتل رسانده‌اند، اما CIA مدت‌ها قبل از شیخون

فرهنگ

ادامه از صفحه ۱۲

زندگی ابوالفضل زرویی

قابلیت تبدیل شدن به‌اثری سینمایی دارد

نسیم عبرامیری، نویسنده و طریریزاد به مناسبت دومین سالگرد درگذشت ابوالفضل زرویی نصرآباد طی یادداشتی

که برای «فرهیختگان» نوشته به مسائلی درمورد زندگی این شاعر اشکار کرده و می‌زاید انجام داده است.

زرویی نصرآباد برای اهالی ادب‌ایالت‌الخصوص طنزنویسان همچون پهلوان بزرگ ایرانی علامرضا تختی بود. او علاوه

اینکه شاعر و طنزنویس تکرارناشدنی بود از لحاظ اخلاقی، مرام و منش متمایز نداشت. گاهی پیش می‌آمد که در عین عسرت و سختی در زندگی از طنزنویسان و نویسندگان جوان دستگیری کند. اینها ابعاد پنهان شخصیت استاد زرویی بود که کمتر درآش‌ها صحبت شده است. من به شخصه در زندگی‌ام دل‌سوز و دل‌انگیز تر از این انسان شریف ندیده‌ام. به عقیده من زندگی این نویسنده بزرگ قابلیت تبدیل شدن به فیلمی دراماتیک دارد، همان‌طور که زندگی علامرضا تختی تبدیل به فیلم شد. حتی فکر می‌کنم برداختن به زندگی چنین بزرگانی باعث می‌شود خصلت‌هایی همچون معرفت، گذشت‌و‌انسانیت بیشتر در میان مردم جامعه زنده شود. هنوز

فکر مکر کردن به دنیایی که از برکت وجود این مرد بزرگ خالی شده برایم سخت است. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و دانش استفاده بود و او توانست استعدادهای خلی از نویسندگان دیگر که در آن زمان به‌استعداد و با وسيله کمال و مقام دنوی بودند را به‌کار بندد. کمتر کسی را دیده‌ام که اینچنین از دنیا و مایه‌مقلقتش بگذرد و به قول حافظ هرچه رنگ نعلق پذیرد آزاره باشد. استاد زرویی دربرای از توانمندی و